



## جمعه های انتظار؛ درجات معرفت به امام عصر(عج) / حدیث امام سجاد درباره مردم عصر غیبت

امام سجاد(ع) فرموده اند: همانا اهل زمان غیبت او از مردم همهٔ زمانها بهترند، زیرا خدای تبارک و تعالی چنان عقل و فهم و معرفتی به آنها عنایت فرموده که غیبت برای آنها به منزلهٔ دیدن حضوری شده است.

امام سجاد(ع) فرموده اند: همانا اهل زمان غیبت او از مردم همهٔ زمانها بهترند، زیرا خدای تبارک و تعالی چنان عقل و فهم و معرفتی به آنها عنایت فرموده که غیبت برای آنها به منزلهٔ دیدن حضوری شده است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: محور و اساس ولایت امام عصر(عج) معرفت ایشان است و از آن zwnj& (عج) که معرفت امام زمان دارای اقسامی است (معرفت به اسم و صفت) و معرفت به اوصاف امام(عج) نیز درجاتی دارد. (غیابی، حضوری و شهودی) حظّ و بهرهٔ مؤمنان از معرفت امام(عج) در یک رتبه و درجه قرار نمی& گیرد. علاوه بر این، معرفت، آثار و لوازمی دارد و مهم& ترین آنها عبارتند از: تسلیم و محبت به ایشان، ذکر آن حضرت، تعلّم و تعلیم علوم ایشان، انتظار فرج امام(عج)، دعا برای وجود مقدّس حضرت، نصرت ایشان، احساس حضور در محضر امام(عج) و رعایت ورع در دین.

بروز و ظهور هریک از این آثار، به درجهٔ معرفت شخص نسبت به هریک از اوصاف امام(عج) باز می& گردد. هر قدر، درجهٔ معرفت انسان، بالاتر رود، این آثار، بیشتر بروز پیدا می& کند و هر چه معرفتش ضعیف& تر باشد، ظهور این آثار کم& رنگ& تر می& شود.

در مجموع باید گفت حظّ و بهرهٔ اهل ایمان از نور ولایت امام عصر (عج) به تعداد افراد ایشان متفاوت است و شاید هیچ دو نفری را نتوان یافت که دقیقاً یک درجه از ولایت را داشته باشند. حتی می& توان گفت که حظّ و بهرهٔ هر فرد نیز در طول حالات مختلفش یکسان نمی& ماند. ممکن است در یک حالت روحی خاص، کمّ و کیف انتظار در او با حالات دیگرش متفاوت باشد.

به علاوه در جای خود اثبات می& شود که درجات ایمان نیز دقیقاً به درجات ولایت انسان بستگی دارد. بنابراین حالات مختلف انسان در مورد ولایت ائمه علیهم السّلام در درجهٔ ایمان او، تأثیر مستقیم و عمیق دارد.

هر کس می& تواند با عمق بخشیدن به معرفت& های خود نسبت به اوصاف امام(عج) و التزام بیشتر و بهتر به آثار و لوازم این معرفت& ها، حظّ و بهرهٔ خویش-از وجود ایشان در زمان غیبت-را بیشتر و بهتر کند.

در این وادی، مؤمنان تفاوت& های بسیاری با یکدیگر دارند. برخی آن& قدر ضعیف و کم& بهره از معرفت و لوازم آن هستند که با وجود اعتراف و تصدیق اولیه نسبت به وجود امام غایب علیه السّلام و مقام امامت ایشان، به خاطر سستی در عقیدهٔ خود و اهمیّت ندادن به این امر خطیر، تا مرز انکار فایدهٔ وجودی امام علیه السّلام در زمان غیبت سقوط می& کنند و بدون آن& که خودشان متوجّه باشند، سخنانی را به زبان می& آورند که عملاً مخالفان امامت به آن معتقد هستند و لذا آب به آسیاب دشمنان اهل بیت علیهم السّلام می& ریزند و به این وسیله، خود را در معرض از دست دادن نور ولایتی قرار می& دهند که پیش از این دارا بودند.

هشدارهایی که در احادیث ائمه علیهم السّلام نسبت به زمان طولانی غیبت امام عصر(عج) وجود دارد، نشانگر این حقیقت تلخ است که چنین خطری در این زمان به& طور جدّی مطرح می& باشد و اگر احتمال آن، جدّی گرفته نشود به سراغ هر کس در هر رده& ای می& آید تا آن& جا که اکثر معتقدان به امامت امام عصر(عج) را از عقیدهٔ خود برمی& گرداند.

اما آنها که هشیارانه عمل می& کنند و با ادای شکر نعمت ولایت امام عصر(عج) با قلب و زبان و عمل خویش، از خداوند، نور ولایت بیشتری را طلب می& نمایند، می& توانند بهره& های زیادی از خورشید پشت ابر امام علیه السّلام ببرند و تا آن& جا ترقّی کنند که به فرمودهٔ امام زین العابدین(ع) غیبت امام برای ایشان به منزلهٔ مشاهده& است: &laquo; متن عبارت ایشان خطاب به یکی از بهترین یارانشان چنین است:

&laquo; ای ابو خالد، همانا اهل زمان غیبت او \_ حضرت مهدی (عج)\_ که اعتقاد به امامت ایشان دارند و منتظر ظهورش

می‌باشند؛ از مردم همهٔ زمانها بهترند، زیرا خدای تبارک و تعالی چنان عقل و فهم و معرفتی به آنها عنایت فرموده که غیبت برای آنها به منزلهٔ دیدن حضوری شده است. (۱)

اصل و پایهٔ حصول این حالت را دو رکن دانسته‌اند: یکی اعتقاد به امامت آن حضرت در زمان غیبت و دیگری انتظار ظهور ایشان. مسألهٔ اول همان معرفت نسبت به آن حضرت است که محور ولایت ایشان می‌باشد و دومی نیز یکی از مهم‌ترین آثار و لوازم این معرفت. هر دو رکن، دارای درجات و مراتب است و در درجات پایین آن، غیبت امام علیه السلام به منزلهٔ مشاهدهٔ ایشان نمی‌گردد. اما اگر به لطف خدا و امام زمان (عج) و همت و جدیت خود شخص، درجهٔ بالایی از عقل و فهم و معرفت برای او حاصل شود، به تحقق این حالت نزدیک می‌گردد. (۲)

منابع:

۱ - کمال الدین و تمام النعمة، باب ۳۱، ح ۲

۲- رازپنهانی و رمز پیدایی ، محمد بنی هاشمی ج ۱ صص ۷۸-۸۱